



Volume 1, Issue 2, 2021

The Concept and Elements of Citizenship and its Role in Crime Prevention

Meysam Nematollahi¹, Abbas Zaraat², Saeed Ghomashi³

1. Islamic Azad University of Shahre- Kord. Department of Law, Shahre- Kord, Iran. (Corresponding Author)

2. Professor, Department of Law, University of Kashan, Kashan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Law, University of Kashan, Kashan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 131-141

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-7715-9755

TELL: +989131021564

Email: n.maysam@yahoo.com

Article history:

Received: 04Apr 2021

Revised: 18 May 2021

Accepted: 10 Jun 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

*Citizen, Rights, Duties,
 Crime Prevention.*

ABSTRACT

A citizen is a person who, on the one hand, has political and civil rights in relation to the government, and on the other hand, has obligations to the government. Although the two concepts of citizenship and human rights have many similarities; But the origin of each is different. Modern citizenship rights are considered separate from human rights. Citizenship has four pillars: "enjoyment of rights", "existence of duties", "defense of the rights of other members of society" and "active participation in social affairs". According to the recent rule, citizens can be divided into active and passive citizens. Active citizens can play an important role in crime prevention in society. One of the most obvious examples of this role is "commanding the good and forbidding the evil of citizens" in the society. Also, taking preventive measures is another example of active participation of citizens in reducing crime in the society.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Nematollahi, M; Zaraat, A & Ghomashi, S (2021). "The Concept and Elements of Citizenship and its Role in Crime Prevention" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(2): 131-141.



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

مفهوم و ارکان شهروندی و جایگاه آن در پیشگیری از وقوع

میثم نعمت‌اللهی^{۱*}، عباس زراعت^۲، سعید قمیشی^۳

۱. دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، گروه حقوق، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استاد، گروه حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

چکیده

شهروند فردی است که در رابطه با دولت، از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی برعهده داشته باشد. دو مفهوم شهروندی و حقوق بشر گرچه با هم پیوندهای زیادی دارند؛ اما سرچشمه هر کدام متفاوت است. حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به‌شمار می‌آید. شهروندی دارای چهار رکن «برخورداری از حقوق»، «وجود تکالیف»، «دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه» و «مشارکت فعال در امور اجتماعی» است. از رهگذر ضابطه اخیر، شهروند را می‌توان به شهروند فعال و منفعل تقسیم نمود. شهروندان فعال می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از جرم در جامعه ایفا نمایند. یکی از بارزترین مصادیق این نقش، امر به معروف و نهی از منکر شهروندان در جامعه است. همچنین انجام اقدامات پیشگیرانه وضعی، نمونه دیگری از مشارکت فعال شهروندان در کاهش ارتکاب جرم در جامعه به‌شمار می‌آید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۹۷۵۵-۹۷۱۵-۱۷۷۱۵-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۳۱۰۲۱۵۶۴

ایمیل: n.maysam@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

شهروند، حقوق، تکالیف، پیشگیری از جرم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

شهروندی مفهومی است که عموم مردم در جامعه مدرن از آن بهره می‌برند و گروه‌های فکری نیز تلاش دارند از این مفهوم برای ارتباط با جامعه‌ی مدرن استفاده کنند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، تلاش دارد مفهوم و ارکان شهروندی را بیان و تفاوت آن با اصطلاح مشابه حقوق بشر را تبیین نموده و از رهگذر تقسیم شهروندان به شهروندان فعال و غیر فعال، نقش ایشان در پیشگیری از وقوع جرم را بررسی نماید.

۱- مفهوم شهروندی

اولین فرهنگ فارسی به فارسی که شهروند را در خود جای داده است، فرهنگ «امروز» است در این فرهنگ، کلمه شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد.» (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) فرهنگ لغت دهخدا شهروند را «اهل یک شهر و یا یک کشور» تعریف کرده است (دهخدا، ذیل کلمه). در زبان فرانسه، غالباً، شهروند در مقابل رعیت به کار می‌رود. به تدریج، دولت-کشور جای دولت - شهر را گرفت و مفهوم شهروند به مفهوم دولت-کشور وابسته شد (پیلو، ۱۳۷۰: ۲۸).

در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است که در رابطه با دولت، از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی برعهده داشته باشد که این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی و حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت را قانون اساسی و قانون مدنی هر کشور معین می‌کند. شهروندی درعین حال منزلتی برای فرد در ارتباط با یک دولت است که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. در این مفهوم به‌طور اساسی کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌بردار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند (کامیار، ۱۳۸۲: ۲۵).

۲- تمایز حقوق بشر و شهروندی

به نظر می‌رسد که در سطح نظری و دانشگاهی، تمایز و تفکیک بین این دو مفهوم روشن است، اما به‌طور قطع در

عرصه الزامات عملی و گفتمان سیاسی جامعه نه تنها چنین تمایزی به چشم نمی‌خورد، بلکه گاهی مفاهیم و ارزش‌ها از جایگاه اصلی خود منحرف و معنای متفاوتی با محتوا پیدا کرده‌اند. گفتمان‌های شهروندی و حقوق بشر گرچه با هم پیوندهای زیادی دارند؛ اما سرچشمه هر کدام متفاوت است. شهروندی لزوماً سیستمی هنجاری انگاشته نمی‌شود؛ زیرا پیوندهای محکمی با ارزش‌ها و تحولات تاریخی و اجتماعی دارد، درحالی‌که ارزش‌های حقوق بشر داعیه جهان‌شمولی دارند. وضعیت شهروندی ایجاد رابطه دوسویه حق و تکلیف است، درحالی‌که این رابطه در حقوق بشر یک‌سویه و مطالباتی است، به این معنا که شهروندان در ازای مطالبه هر حقی مکلف به انجام تکلیفی نیز هستند و حال آنکه در حقوق بشر آنچه مطالبه می‌شود صرفاً حق است و کمتر به الزامات و تکالیف پرداخته می‌شود. حقوق شهروندی گفتمان نوین در حقوق بشر است که برای اولین بار در منشور حقوق بشر و شهروندان فرانسه مطرح شد و روزبه‌روز در حال بسط و گسترش است.

حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به‌شمار می‌آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با دید و نگاهی خاص این علم را تعریف و تشریح کرد؛ زیرا کارکردهای آن متفاوت از حقوق بشر است. حقوق شهروندی، به روابط شهرنشینان با همدیگر و رابطه ایشان با ارگان‌های دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از «حقوق شهروندی» به مفهوم عام به‌شمار آورد.

حقوق شهروندی رابطه دولت و شهروندان را مشخص می‌کند. حقوق شهروندی مورد نظر ما همان قواعدی است که مرتبط با شهرداری (دولت) است. پس حقوق شهروندی در ظرفیت مشارکت مردم اثر دارد؛ بنابراین قطعاً آگاهی از آن نیز بر میزان مشارکت اثرگذار است (علوی، ۱۳۷۹: ۵۰).

دو مقوله حقوق شهروندی و حقوق بشر هر یک به دو حوزه متفاوت از حقوق انسانی اشاره دارد. آنچه حقوق بشر را از حقوق شهروندی متمایز می‌کند، سرزمینی بودن آن است، گستره این سرزمین ممکن است چند کشور را هم فرا بگیرد؛ مانند شهروند اروپایی یا کشورهای مشترک‌المنافع. باین‌حال

شناسایی و محافظت می‌کند. حقوق بشر ناشی از کرامت ذاتی انسان است. حقوق بشر به هر انسان، صرف‌نظر از زندگی او در جامعه یا جدا از جامعه و در انزوا تعلق دارد. در حالی که در حقوق شهروندی، حقوق انسان به‌دلیل زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد.

حقوق بشر حق‌هایی جهان‌شمول، ذاتی و سلب‌ناپذیر هستند که انسان‌ها به‌دلیل انسان بودنشان به‌صورت برابر بایستی از آنها بهره‌مند شوند. حقوق بشر، نظامی است هنجاری که وظایف متقابل افراد در انجام و یا خودداری از عملی و همچنین روابط آنها با اشیاء و یا موقعیت‌ها را در چارچوبی هنجاری و «باید مدار» تنظیم می‌کند. جهان‌شمولی، ذاتی بودن و غیر قابل سلب بودن، ویژگی حقوقی هستند که انسان‌ها به‌دلیل حیثیت و کرامت^۱ خود باید به‌طور یکسان از آنها برخوردار شوند.

در مجموع می‌توان بیان داشت، حقوق بشر از منظر دارنده حقوق، مخاطب و موضوع آن با حقوق شهروندی متفاوت است. گیرنده یا دارنده حقوق بشر، موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی به‌عنوان جهان‌وند از آن منتفع می‌شود؛ در حالی که دارنده حقوق شهروندی - شهروند به مفهوم توصیف شده در این پژوهش خواهد بود.

مخاطب حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی است؛ در حالی که حقوق شهروندی، اجتماع یا افراد خاصی را در محدوده یک دولت - کشور خطاب می‌کند. موضوع حقوق بشر عموماً مفاهیم مابعدالطبیعه و ذهنی است و از این رو کلی و دارای ابهام‌هایی اساسی است؛ اما حقوق شهروندی، از آن رو که مستقیماً با مردم و اجرا و عینیت مواجه‌اند، دارای ابهام نیستند و بر اساس همان مبانی حقوقی ایجاد می‌شود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم و خصوص من‌وجه است؛ هرچند حقوق شهروندی و حقوق بشر در بسیاری از موارد به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند و بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی

حقوق شهروندی برخلاف حقوق بشر که همه انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، ملیت و دین و زبان از این حقوق بهره‌مندند، محدود است؛ زیرا حقوق شهروندی فقط در رابطه فرد با دولت و جامعه سیاسی (دولت - شهر یا دولت - کشور) معنا پیدا می‌کند، در حالی که حقوق بشر حقوقی فراگیر و بنیادی است (جاوید، ۱۳۸۶: ۲۰).

حقوق بشر، حقوق فرازمانی و فرامکانی است؛ بدین معنا که برای شمول حقوق بشر نیازمند مکان خاصی نیستیم. حق حیات، یکی از حقوق بشری، مقید به زبان و مکان خاصی نیست، بلکه در همه جای دنیا و در هر سرزمینی باید به رسمیت شناخته شود و حال آنکه حق انتخاب‌شدن به‌عنوان یک حق شهروندی می‌تواند به مکان و سازمان خاصی اختصاص داشته باشد.

یکی از حقوق دانان در تمایز حقوق بشر و شهروندی بیان می‌دارد: حقوق بشر ناظر به حقوقی است که هر انسان به حکم انسان بودن خود از آنها برخوردار می‌گردد. این دسته از حقوق انسانی می‌تواند فردی، جمعی، نسلی و جهانی باشد. به‌این معنا که لزوماً ناظر به وضعیت فرد و زمان و مکان خاص او نباشد، بلکه ممکن است این حقوق همراه با توسعه جوامع بشری توسعه یابد؛ از مرحله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مدنی عبور کرده، شامل یک سلسله حقوق انسانی در قالب حقوق همبستگی، جهانی، محیط‌زیست و امثال آن می‌شود که دیگر لزوماً در انحصار نسل خاصی از بشر نیستند و برای نسل‌های آتی را نیز تعریف شده است. حقوق بشر امروزی که در قالب منشور و میثاق‌ها ظهور کرده، فارغ از دغدغه‌های ملی دولت‌ها به ترسیم حقوق افراد پرداخته است. عنایت به اقتضائات درونی هر دولت - ملت می‌تواند تزییقاتی در گستره این حقوق - هم از نظر کمی و هم کیفی - فراهم آورد. حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌گردد که حقوق بشر قرار است در یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد (جاوید، ۱۳۸۶: ۵۸)؛ به‌عبارت‌دیگر حقوق شهروندی مربوط به آن بخش از حقوق عمومی و حقوق بشر است که حقوق سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان را از حیث تابعیت سیاسی‌شان به شهر،

^۱ - Dignity

باید از همه افراد جامعه به وجود آمده باشد تا برای همه قابل اعمال باشد؛ هر زمان اراده عمومی به موضوعی فردی و اختصاصی گرایش پیدا کند، سلامت طبیعی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا در این حالت با پرداختن به اموری که با خیر و صلاح جامعه بیگانه است اصل انصاف و درستی را راهنمای خود قرار نمی‌دهد (روسو، ۱۳۸۰: ۱۶۱). به‌طور کلی تعهد و تکلیف رکن اساسی شهروندی محسوب می‌شود.

۳-۳- دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه

شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال برای دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به‌طور کلی‌تر مشتمل بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است. شهروند کسی است که هنگامی که قادر به جلوگیری از یک اقدام جنایی است، موظف به دخالت در آن است یا کارمندی است که برخی از اقدامات فاسد حکومت را با علم به هزینه احتمالی آن یعنی از دست دادن حرفه‌اش افشا می‌کند. نهایتاً شهروند کسی است که آماده انجام خدمات عمومی به هنگام نیاز باشد.

دیوید میلر پیشنهاد می‌کند که شهروند باید در حفاظت از حقوق سایر اعضای اجتماع فعال باشد و در همه جنبه‌های سیاست مشارکت کند. از این‌رو از مهاجرانی که به‌عنوان شهروند پذیرفته می‌شوند، انتظار می‌رود که کاملاً در زندگی عمومی مشارکت کنند (هاتنان، ۱۳۸۶: ۱۲).

۳-۴- مشارکت فعال در صحنه‌های اجتماعی

شهروند نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند. مشارکت سیاسی صرفاً به‌منظور نظارت بر زیاده‌روی حکومت یا به‌منظور تقویت منافع بخش خاص انجام نمی‌گیرد، بلکه به عنوان راهکارهایی برای بیان تعهدات اجتماعی صورت می‌گیرد؛ چراکه شهروندی با مشارکت شناسایی می‌شود. زنان و مردان می‌خواهند درباره اینکه چه کاری به نام همه آنها انجام می‌گیرد، به توافق برسند؛ البته این وضعیتی آرمانی است. به‌واقع هیچ تصمیمی همواره با اتفاق آرا اتخاذ نمی‌شود؛ اما اگر مذاکره سیاسی با توافق به‌عنوان یک آرمان متعارف صورت گیرد، ابزار رسیدن به سیاست‌هایی خواهد بود که

حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن حقوق شهروندی است و بسیاری از حقوق شهروندی، ریشه در حقوق بشر دارد.

۳-۳- ارکان شهروندی

شهروندی دارای چهار جزء اصلی است.

۳-۱- برخورداری از حقوق

شهروند از یک مجموعه حقوق برابر با دیگر افراد برخوردار است که برای نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و ایفای نقش عمومی لازم و ضروری هستند. بسیاری از این حقوق دوسویه‌اند؛ برای نمونه، حقوق ناظر بر اموال و آزادی بیان، می‌تواند هم با هدف توانمند ساختن مردم برای تعقیب برنامه‌های شخصی زندگی و ایده‌های فردی باشد و هم به عنوان پیش‌شرط‌هایی برای شهروندی فعال در نظر گرفته شود. بدون میزان معینی از وابستگی اقتصادی و بدون حق بیان آزاد، آنچه یک فرد در نظر و ذهن دارد در گفتگوهای عمومی سهم به‌سزایی داشته باشد (میلر، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

۳-۲- وجود تکالیف

همراه و ملازم با حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد؛ احترام به قانون و رعایت آن (نه به‌معنای رعایت قانون در مواردی که شدیداً ناعادلانه به نظر می‌رسد)؛ پرداخت مالیات‌ها به نفع عدالت اجتماعی؛ انجام وظیفه کردن در هیأت منصفه هنگامی که برای چنین کاری فرا خوانده می‌شود و مانند آن، نمونه‌هایی از تعهدات و تکالیف شهروندان است (میلر، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

تعهداتی که ما را در برابر هیأت حاکمه متعهد می‌کند چون متقابل است، الزامی است و ماهیت این تعهدات به کیفیتی است که با انجام آن انسان در عین حال که برای دیگران کاری می‌کند برای خود نیز کاری انجام می‌دهد؛ اراده عمومی همسو با خواست‌های فردی است. در واقع در هر صورت فرد گرایی و خود-دوستی که امری غریزی و ذاتی است نمایان است. تساوی حقوق و اصل عدالت نیز مؤید این است که فرد و خواست‌های مهم است. امری که زاییده سرشت طبیعی آدمی است؛ به همین دلیل اراده عمومی برای آنکه واقعاً اراده عمومی باشد، باید در موضوع و جوهر خود اراده عمومی باشد،

در رابطه با دولت و تک‌تک شهروندان متمرکز می‌شود (هانتان، ۱۳۸۶: ۶).

این در حالی است که در گفتمان جهان‌سازی امروز، نوع دیگری از شهروندی با عنوان شهروندی اجرایی مطرح است که به فعالیت‌های افرادی که به‌عنوان شهروندان جهان در سازمان‌های همگانی برای اهداف جهانی‌شدن تلاش می‌کنند، توجه می‌کند (هانتان، ۱۳۸۶: ۶).

منظور از شهروند فعال کسی است که مشارکت را حق خود و خویش را دارای اختیار می‌داند و در مقابل، شهروند منفعل باید خود را ملزم به انجام تکالیف و مسؤولیت‌ها کند؛ به عبارت دیگر شهروندی از این منظر مجموعه گسترده‌ای از فعالیت اجتماعی و فردی است، فعالیت‌هایی که اگرچه فردی است؛ اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. در واقع شهروندان فعال، شهروندانی هستند که در امور مرتبط به برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها در جامعه محلی و ملی خود مشارکت می‌ورزند. در این دیدگاه، مشارکت و درگیر شدن مؤثر در امور اجتماعی از نظر سعادت و رشد آینده هر جامعه‌ای دارای اهمیت است (اسلامی و نیازی، ۱۳۸۹: ۱۱).

شاید اولین و بهترین تعبیر در خصوص شهروندی فعال از ارسطو باشد، او می‌گوید: «هرکس در اداره جامعه‌اش شرکت نکند یا حیوان است یا خدا.» (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۲/۴) از این رو انسانیت فرد در گرو مشارکت فعال اداره امور جامعه دانسته شده و جماعت، بیش از فرد لازمه حصول به آن است.

شهروند منفعل شهروندی است با حقوق و تکالیف معین در قالب یک دولت قانون‌مند و بدون آنکه هرگونه مشارکتی در اجتماع داشته باشد. شهروندی منفعل در ساحت ملی نمود پیدا می‌کند، به این نحو که شهروندان به تدریج از مشارکت سیاسی دست می‌کشند و فرد، تنها صاحب حقوق اجتماعی به شمار می‌آید و بدین‌گونه عنوان شهروندی صرفاً به ابزاری برای کنترل و آرام‌سازی اجتماعی تبدیل می‌شود. در این نوع از شهروندی، شهروندی از اخلاق مشارکت جدا می‌شود و به‌طور

هرکسی به‌صورت بالقوه می‌تواند از آن حمایت کند یا در گامی دیگر از سیاست‌هایی که سایرین اعتراضاتی اصولی به آنها دارند زمانی که بدیل‌های معقول دیگری وجود دارد، حمایت نمی‌کنند (میلر، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

مشارکت، معیار کیفیت و گستردگی شهروندی در جامعه محسوب می‌شود، از این منظر شهروندی، بیشتر دارای ماهیتی اجتماعی و فرهنگی است (فتحی، ۱۳۸۸: ۱۴).

مشارکت شهروندان یکی از مؤلفه‌های اصلی شهروندی است، مشارکت تنها این نیست که فرد در نقش رأی‌دهنده ظاهر شود، بلکه شهروند در فرآیند شهروندی باید نقش راهبردی داشته و اشاعه دهنده فرهنگ مسؤولیت‌پذیری باشد، این فهم از طریق شناخت موضوعاتی نظیر عدالت، مسؤولیت، دولت و آزادی ناشی می‌شود (McDonald, 1999: 122). مشارکت شهروندی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی مدنظر است و شهروندی صرفاً به رأی‌دادن و حضور در انتخابات محدود نمی‌شود؛ بلکه شهروند کسی است که در تمام امور و عرصه‌ها اعم از سیاسی و حقوقی مداخله و مشارکت داشته باشد.

۴- انواع شهروندی

از یک منظر شهروندی را می‌توان به شهروندی فعال و منفعل تقسیم نمود. هر یک از انواع گفته شده در واقع بیان‌گر میزان مشارکت شهروندان در عرصه شهروندی است، که ممکن است مشارکتی فعال یا منفعلانه داشته باشند. بر همین اساس می‌توان نوع فعالیت یا انفعال شهروندان را در نظام سیاسی مشخص کرد.

شهروند مسؤول، عضو یک جامعه است که با آگاهی از حقوق و مسؤولیت‌های خود و نهادهای موجود در جامعه در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت می‌کند. براساس نظریه ارسطو، شهروند در دوران باستان، تنها به‌معنای کسی نبود که از حقوق قانونی برخوردار است؛ بلکه کسی بوده است که در اجرای عدالت و گرداندن ادارات مشارکت می‌کند، شهروندی مدرن، برخلاف دوران باستان، بر روی حقوق و وظایف،

پیشگیری به پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی ست، در این قسمت ذیل دو بخش الزامات شهروندی را در دو مورد فوق بررسی می‌کنیم.

۵-۱- الزامات شهروندی در عرصه پیشگیری اجتماعی

از نظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است؛ یعنی پیشگیری اجتماعی مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم‌زا را خنثی کنند. پیشگیری اجتماعی، یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی، محیط عمومی همانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی که نسبت به همه مشترک است، محیط اجتماعی شخصی مانند محله و خانواده که نسبت به شخص وجود دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۷۶۰). نگاهی به قوانین و رویه موجود، مبین این امر است که شهروندان در عرصه پیشگیری اجتماعی همواره با الزاماتی مواجه هستند.

۵-۱-۱- الزام والدین به تربیت اطفال

والدین به‌عنوان اولین مربی و معلم، در تربیت و چگونگی رفتارهای فرزندان مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند و بی‌توجهی و اهمال در این امر عواقب وخیمی را در زندگی کودک به‌وجود می‌آورد، رفتار کودک عکس‌العملی به عوامل محیطی و به‌خصوص عملکرد والدین او است.

چنانچه رفتار والدین با کودک براساس صداقت، دوستی، احترام و پذیرش باشد، کودک احساس امنیت و آرامش می‌کند و از ابتلا به بسیاری از نابسامانی‌ها محفوظ می‌ماند؛ از سوی دیگر انتقادهای بی‌جا و بی‌مورد و روابط خانوادگی گسسته و نابسامان کودک را مضطرب و آزرده‌خاطر می‌سازد و موجبات ابتلای وی به بسیاری از مشکلات رفتاری را فراهم می‌آورد (حسنی، ۱۳۸۶: ۱۱). چنانچه خانواده به‌نحو مؤثری در تربیت نیکوی فرزندان خود همت گمارد، موجبی برای بزهکاری و سیه‌روزی آنان در آینده باقی نخواهند ماند.

بعد از تولد طفل یکی از وظایف اساسی و مهم والدین بحث نگه‌داری و تربیت کودک است، در مقررات مدنی ایران علاوه بر حمایت اخلاقی و روانی از اطفال در ماده ۱۱۰۴ ق.م.مقرر

فزاینده‌ای به یک مفهوم سطحی و قانونی تبدیل می‌گردد (برائعلی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

۵- الزامات شهروندی در عرصه پیشگیری از جرم

تا قبل از تولد جرم‌شناسی، کیفر و مجازات تنها ابزار مبارزه با بزهکاری و جرم بود و راه مقابله با جرم در جوامع بشری نظام کیفری و مجازات شدید بود. با پیدایش جرم‌شناسی جرم‌مداری جای خود را به مجرم‌مداری داد؛ به این معنا که مجرم در کانون توجه جرم‌شناسان قرار گرفت.

نخستین بار انریکو فری پیشگیری از جرم را با عنوان «هم‌ارزهای کیفری» یا جانشین‌های کیفری مطرح کرد. وی پی برده بود که نظام‌های کیفری به‌تنهایی نمی‌توانند برای مبارزه با بزهکاری موفق باشند و در کنار آن باید از مداخله‌های پیش از وقوع جرم به‌عنوان تدبیر تکمیلی بهره جست؛ بنابراین از نظر وی پیشگیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که جنبه قهرآمیز ندارد (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

در ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ پیشگیری از وقوع جرم را این‌گونه تعریف می‌نماید: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن». ماده ۵ قانون فوق‌الذکر اقدام به تأسیس دبیرخانه شورای عالی پیشگیری در قوه قضاییه نموده که در طی پنج بند وظایف محوله به شورای عالی را بیان کرده است. از جمله وظایفی که در بند سه این ماده به دبیرخانه واگذار شده است، شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و مقررات و مصوبات شورا است. همچنان که ملاحظه می‌گردد در این قانون نیز قانونگذار و مسؤولین ذی‌ربط همواره یکی از راه‌های کنترل جرم و پیشگیری را جلب مشارکت شهروندان می‌دانند؛ چراکه بدون همیاری و مشارکت آنان پیشگیری امری ممتنع و هزینه بر می‌شود.

در جرم‌شناسی پیشگیرانه با توجه به معیارهای مختلف پیشگیری انواعی را بیان کرده‌اند که یکی از آنها طبقه‌بندی

می‌دارد: «زوجین باید در تشکیل مبانی خانوادگی و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.»

در ماده ۱۱۷۸ نیز مقرر داشته است که ابوبن مکلف هستند در حد توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند. در مقررات مذکور ابوبن مکلف بوده و باید به تربیت اطفال خود همّت گمارند، آنچه مسلم است این است که ابوبن مکلف به تربیت اطفال خود هستند؛ ولی درعین حال که در انتخاب شیوه تربیت فرزند خود مکلفند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهایش به هدر نرود، جمع این دو قاعده آسان نیست؛ زیرا گاه سلوک پدر و مادر به بیهودگی فرزند می‌انجامد و در تفسیر مهمل اختلاف می‌شود. در مقام تضاد حق و تکلیف پدر و مادر باید مصلحت طفل یعنی تکلیف آنان مقدم است و حق محدود به تکلیف آنان است و تا جایی احترام دارد که مخالف با وظایف قانونی و نوعی پدران و مادران نباشد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

۵-۱-۲- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از موضوعاتی که در دین اسلام در آیات و روایات به کرات به آن پرداخته شده است، موضوع امر به معروف و نهی از منکر است، درخصوص تأثیر این فرضیه و اهمیت آن امیرالمؤمنین می‌فرماید: «همه کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است بر دریای پر موج پهناور» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). در روایتی دیگر امام‌باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، واجبی است بزرگ که به سبب آن، اجرای همه واجبات، امنیت راه‌ها، حلال بودن معاملات، رد مظالم، آبادی زمین، انتقام از دشمنان و سازمان یافتن امور تضمین می‌گردد.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۵/۵)

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت (اصل هشتم).

به‌طور مسلم فقها و دانشمندان اسلامی، اجماعاً و بدون استثناء بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر دارند؛ اما

درباره کیفیت واجب، عینی یا کفایی بودن آن نظرات متفاوت است؛ عده‌ای همچون شیخ طوسی و ابن‌حمزه اعتقاد دارند که واجب عینی است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۵۹/۲۱) و محقق حلی در شرایع قائل به کفایی بودن است؛ ولی عینی بودن آن را مغایر می‌داند (محقق حلی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

ممکن است گفته شود برای مقابله با رواج ناهنجاری‌ها چه ضرورتی به مداخله اجتماع است، چون وقتی دولت به‌عنوان نماینده اجتماع به‌طور قوی وارد عرصه می‌شود بساط ناهنجاری‌ها برچیده خواهد شد؛ اما نکته مهم این است که بدون حضور و مداخله اجتماع در عرصه برخورد با مجرم و پیش‌گیری از جرم، اقدامات حکومتی نیز کارایی لازم را نخواهد داشت و در اینجا حکومت علاوه بر آنکه ناتوان جلوه می‌کند - که این خود از موجبات افزایش جرایم است - بیش‌تر به‌عنوان مزاحم حقوق و آزادی‌های فردی تلقی می‌شود تا نهادی که عهده‌دار هدایت صحیح اجتماع به سمت نیکی‌ها است؛ درواقع، حساسیت جمعی و مشارکت شهروندان است که اقدامات نظارتی و کنترلی حکومت را کارآمد می‌سازد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). به‌رحال در صورتی که مردم خود را مسؤول در نظارت بر اعمال خیر و شر و معروف و منکر بدانند، هم کنترل جامعه بهتر صورت می‌گیرد و هم این موضوع عامل مهمی در گسترش و بالابردن فرهنگ جامعه خواهد بود و این مسئله به انسجام بیشتر جامعه کمک خواهد کرد.

سالم‌سازی محیط و ارتقا سطح مسؤولیت‌پذیری افراد جامعه از دیگر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر است که به‌طور مستقیم می‌تواند در کاهش جرایم اثر داشته باشد؛ چراکه زمانی که شهروندان نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت کنند، کنترل اجتماعی و هنجارپذیری از سطح بالاتری برخوردار خواهد شد. از همین رو امام‌باقر علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید: «به درستی که امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و پیامبران و روش نیکان است، فریضه‌ای بس بزرگ که بقیه واجبات به او وابسته‌اند. هر مذهبی با داشتن آن در امان و پابرجا، اقتصاد اجتماع بر پایه آن استوار، ستم‌ها و بیدادها به وسیله آن برطرف، عمران و آبادی کشورها مربوط به آن و از بین بردن

دشمنان و دادخواهی از بیدادگر مرهون آن، موجودیت و استقلال هر کاری رهین آن است.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵/۵۵)

به طور کلی به موجب این تکلیف عمومی هر فرد مسلمانی موظف است که با نظارت و مراقبت بر رفتار و کردار دیگران، آن‌ها را به اعمال نیک و پسندیده، تشویق و از اعمال بد و ناپسند از جمله جرایم و انحراف‌ها بازدارد.

۵-۲- الزامات شهروندی در عرصه پیشگیری وضعی

در تعریف پیشگیری وضعی بیان شده است: «پیشگیری وضعی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. ایجاد تغییرات در مراحل ارتکاب جرم یعنی جاذبه‌زدایی از سبیل جرم، بالا بردن هزینه، سخت کردن ارتکاب جرم و خطرناک کردن آن.» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹: ۱۲۵۱) در پیشگیری وضعی اقدامات صورت گرفته ناظر به جرمی خاص بوده و با اقدامات مدنظر سعی در کاهش فرصت‌های مجرمانه و افزایش خطر برای مجرمین دارد؛ از این رو در این پیشگیری برخلاف پیشگیری اجتماعی اقدامات صورت گرفته همه گیر و فراگیر نیست، گرچه ممکن است به عنوان اثر جانبی بر برخی دیگر از جرایم نیز تأثیر بگذارد؛ اما هدف اصلی آن پیشگیری اجتماعی نیست. در تدابیر پیشگیری وضعی افراد جامعه و شهروندان نقش زیادی دارند. اساس پیشگیری وضعی بر مشارکت و مداخله شهروندان در محیط پیرامونی جرم استوار است.

۵-۲-۱- پیشگیری وضعی از رهگذر بالا بردن هزینه ارتکاب جرم

نمونه‌ای از این نوع پیشگیری، الزام به اخذ بیمه‌نامه شخص ثالث در مقررات رانندگی است. اجباری کردن بیمه بعد از ارتکاب جرم از بزه‌دیده رفع خسارت می‌کند؛ این اقدامات اولاً قبل از ارتکاب جرم انجام می‌شود و ثانیاً موجب بسیاری از اقدامات بازدارنده خاصی از سوی شرکت‌های بیمه می‌شود؛ این در حالی است که شرکت‌های بیمه نیز برای پرداخت خسارت به شهروندان برای آنان شرایطی را در نظر می‌گیرند که رعایت نکردن آن‌ها از سوی شهروندان موجبات عدم استحقاق خسارت را فراهم خواهد کرد که این خود به نوعی در پیشگیری و کنترل جرم مؤثر است.

در مقررات بیمه ایران شرط دریافت خسارت برای رانندگان داشتن پروانه رانندگی و مهارت راننده است و رعایت نکردن این شروط، پرداخت خسارت را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کند؛ از این رو خود این مقرره برای کنترل جرم و عدم ارتکاب آن به نحو چشمگیری تأثیر خواهد داشت؛ چراکه افرادی که پروانه رانندگی ندارند، کمتر به خود جرأت رانندگی یا احیاناً تخلف را می‌دهند و در صورت اقدام به رانندگی بیشتر احتیاط می‌کنند.

۵-۲-۲- پیشگیری وضعی از رهگذر از بین بردن موقعیت‌های بزه‌دیدگی

یکی از اهداف اصلی و مهم پیشگیری وضعی به هم‌زدن موقعیت مساعد بزه‌دیدگی و جلوگیری از وقوع آن از این طریق است. «باید وضعیت و شرایط مناسب را آن گونه رقم زد و طراحی نمود که فرد در شرف بزه‌کاری فرصت ارتکاب جرم را به دست نیاورد و در نتیجه بزه‌دیدگی فراهم نیاید.» فرصت‌ها و موقعیت‌های بزه‌دیدگی موارد زیادی را شامل می‌شود که چند مورد الزامی آن بررسی می‌شود. از بین بردن فرصت‌های بزه دیدگی با داشتن کمربند و کلاه ایمنی در هنگام استفاده از وسایل نقلیه از موارد الزام شهروندان برای پیشگیری از سوانح رانندگی است.

۵-۲-۳- پیشگیری وضعی از رهگذر حفاظت از آماج‌ها^۱

اصطلاح حفاظت و تقویت آماج‌های رفتار مجرمانه در مورد یکی از روش‌های پیشگیری وضعی به کار می‌رود که هدف آنها افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم است تا از این طریق ارتکاب جرم را برای مجرمان دشوارتر و خطرناک‌تر از آن بیشتر گردد. در این روش تلاش، برای محدود کردن فعالیت مجرمین بالقوه است. اقداماتی همانند قفل کردن درب‌ها و استفاده از قفل فرمان در اتومبیل‌ها، نمونه‌هایی از حمایت و حفاظت از آماج‌ها به شمار می‌روند.

در معرض آماج‌های جرم‌بودن یکی از عواملی است که علاوه بر تحریک فرد به ارتکاب بزه، کاهش خطرات آن و ایجاد انگیزه برای مجرمان موجب می‌شود، آنان بدون

^۱- Targets

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- منابع فارسی و عربی

- نهج‌البلاغه

- ارسطو (۱۳۶۴). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت، چاپ چهارم، تهران: چاپخانه سپهر.

- اسلامی، احمد و نیازی، محسن (۱۳۸۹). مبانی حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات سخنوران.

- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۰). «انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه فرهنگ اصفهان*، ۲۲: ۱۰۶-۱۱۱.

- براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۴). *شهروندی و سیاست نو فضیلت‌گرا*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی، تهران.

- پللو، روبر (۱۳۷۰). *شهروند و دولت*. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران.

- جاوید، جواد (۱۳۸۶). «چیستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه تا قانون». *مجله حقوقی دادگستر*، ۵۸: ۲۴-۴۶.

- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۳). «امربه‌معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی». *مجله فقه و حقوق*، ۱: ۷۷-۱۰۸.

- حسنی، علیرضا (۱۳۸۶). «بررسی مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ قانون مدنی ایران در خصوص تربیت اولاد از دیدگاه فقه و حقوق با مطالعه تطبیقی». *مجله فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی*، ۱۴: ۹-۵۰.

- محقق حلی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *شرایع الاسلام*. قم: شریعت.

هیچ‌گونه مانعی اهداف مجرمانه خود را عملی سازند. تدابیر حفاظت فیزیکی غالباً در شکل توصیه‌نامه از سوی مقامات مسؤول به شهروندان در مناسبت‌های مختلف ابلاغ می‌گردد که در صورت عدم رعایت آنها فرد نه تنها مستحق حمایت و جبران خسارت نیست، بلکه در برخی موارد سرزنش و عتاب نیز خواهد شد. همه این اقدامات برای حفاظت از آماج‌ها و موضوعات بزهکاری است؛ چراکه با این اقدامات اموال، اشیاء و حتی افراد موضوع بزه کمتر در معرض آسیب‌دیدگی قرار می‌گیرند.

همچنین براساس تحقیقات نسبتاً محدودی که در زمینه نظارت ویدیویی انجام شده است، استفاده از آیفون‌های تصویری ورودی ممکن است به جلوگیری از ارتکاب جرم توسط برخی مجرمین غیربومی و غیر مقیم کمک کند، خصوصاً اگر با رابطه‌های تلویزیونی همراه شوند. از این رو یکی از روش‌های حفاظت از آماج‌های جرم استفاده از سیستم‌های نظارتی ویدیویی است که می‌تواند برای حمایت از بزه‌دیده و کاهش احتمال وقوع جرم مؤثر باشد. تمام این اعمال، نمونه اقداماتی است که خود شهروندان برای پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه به کار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تبیین مفهوم و ارکان شهروندی به دنبال پاسخ به این سؤال بود که آیا شهروندان می‌توانند با توجه به جایگاه خود در جامعه در پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه نقش آفرینی نمایند؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که نقش آن دسته از شهروندان که به اصطلاح بدان‌ها شهروند فعال اطلاق می‌شود، در پیشگیری از وقوع جرم اعم از پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی انکارناپذیر است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله دارای سهم برابر بوده‌اند.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۰). *قرارداد اجتماعی*. ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران: انتشارات آگه.
- هانتان، سور (۱۳۸۶). *چالش های شهروندی، تعلق گروهی و هویت فرهنگی در عصر جهانی*. ترجمه حسین حسینی، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- علوی، علی رضا (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۲). *حقوق بشر*. تهران: انتشارات مجد.
- فتحی وارجارگاه، کورش و واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۸). *آموزش شهروندی در مدارس*. تهران: انتشارات آپتر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). *حقوق مدنی (خانواده و اولاد)*. تهران: انتشارات شرکت اشاره.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. جلد پنجم، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- میلر، دیود (۱۳۸۱). «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز». *مجله راهبرد*، ۲۳: ۱۲۵-۱۴۴.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۹). *تقریرات درس جرم شناسی و پیشگیری*. دوره دکتری، تهیه و تنظیم محمدعلی بابایی. بی جا.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. جلد بیست و یکم، تهران: دارالمکتب اسلامیه.
- نیاز پور، امیرحسن (۱۳۸۲). «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۴۵: ۱۲۴-۱۵۹.

ب. منابع انگلیسی

- McDonald, D (1999). *Implementation of Programs of Deliberation and Civic Education to Counter Erosional Effects of Civic Apathy Upon liberal –Democratic Polities*. Ontario: University of Western Ontario.